

معروض میدارد که :

الیوم بیست دوم شهر شوال را روز سوم ورود احقر به اصفهان است ، و محض ورود رقیمة شریفه زیارت شد . فال خیر خود دانسته ، ولیکن در فقره پوست زیاد اسباب خجلت شد . چون احقر باید بدانید این قدرها بندی نیستم و همین نوع که مرقوم فرموده بودید رفع حاجت شده بود . با این حالت قبول نمودم .

سبب اینکه چیزی مصدع نشده بودم این بود که در محلات بودم . والدۀ عزیز دوست حقیقی داشتم . ایشان هم این جهان را بدرود گفتند . خداوند همگی را سالم بدارد و موفق و مؤید دارین بدارد .

در فقره جناب دوست و برادر آقا و سید و سرور وحید فرید آقای حاجی سید جمال الدین حفظه الله تعالی خواسته باشد ، بحمد الله والمنة در پطر البورغ [پترز بورغ] صحیح و سالم تشریف دارند . از جناب ایشان تعلیقه گاهی میرسد

دیدید قدردانی را به چه درجه نمودند ، اسباب روسفیدی همه ایرانیان شدند .
باری ، با این چاپار سلامی از جناب شما خواهم عرض نمود . میدانید
مردم دیدن می نمایند و فرصت زاید بر این جسارت ندارم . استدعای احقر از التماس
دعاست . ایام سعادت و توفیق افزون و مستدام باد برب العباد .
احقر داعیان - سیاح